



جهان انرژی

دانشگاه مهندسی انرژی

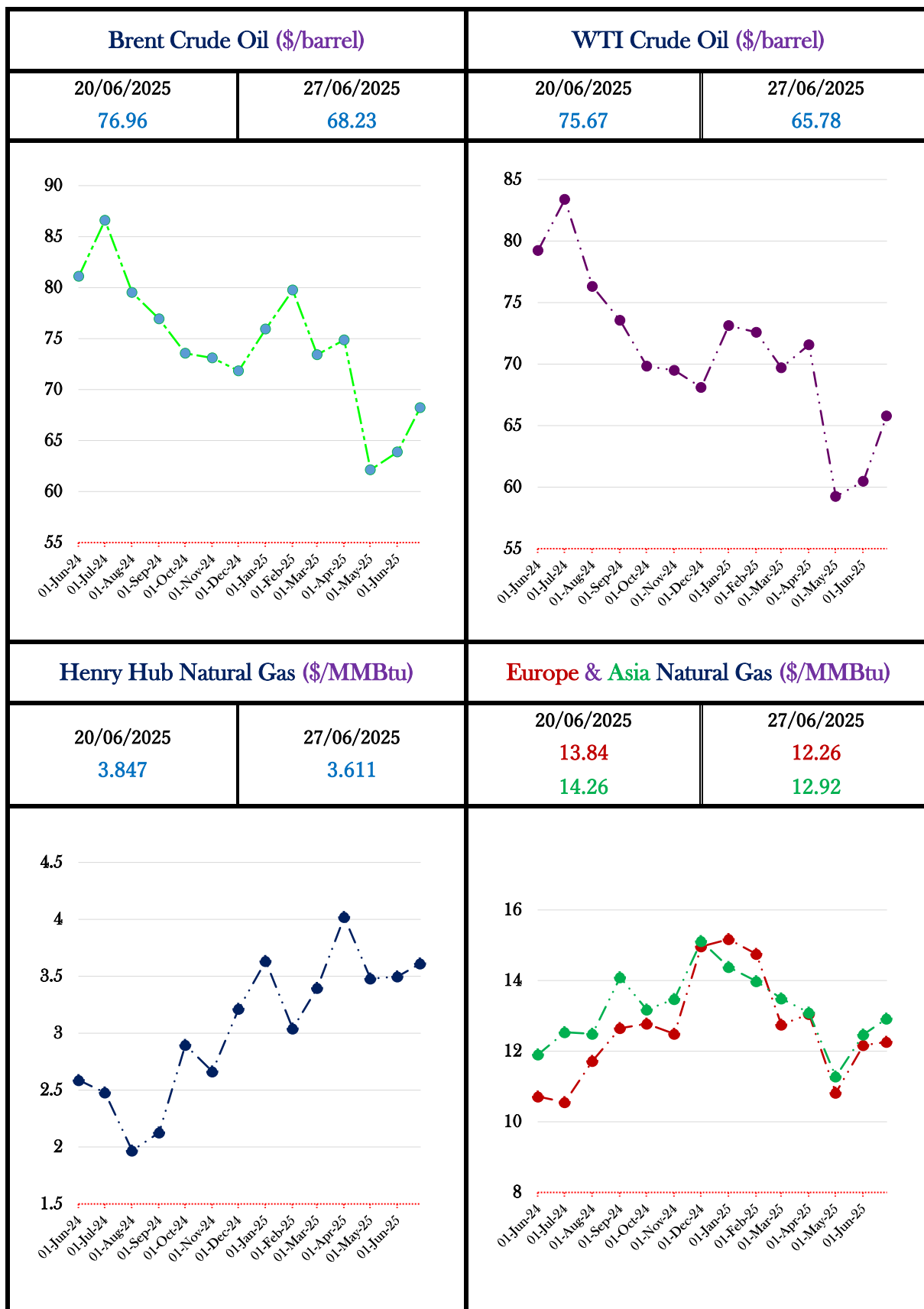
تفسیر هفت:

جنگ اسرائیل علیه ایران و اثرات آن بر بازار انرژی

نویسندگان این شماره:

امیر علی حسن زاده، مریم هاشمی نژاد، علی فریادس، عباس گلکی

۷ تیر ۱۴۰۲



پویای های بازار

نفت خام برنت در بازار لندن صبح امروز به مقدار ۶۷,۷۷ دلار هر بشکه معامله شد. در اوج تجاوز اسرائیل به سرزمین ایران قیمت این نفت خام شاخص تا ۷۷ دلار هر بشکه نیز افزایش یافت. با پذیرش آتش بس از سوی دو طرف بازار نفت خام احساس می کند که تنش های ژئوپلیتیکی در منطقه ای که تولید یک سوم نفت خام جهانی در دست اوست نسبتاً کاهش یافته است. از سوی دیگر به احتمال زیاد ائتلاف اوپک پلاس برای ماه آینده میلادی یعنی اوت مجدداً ۴۱۱ هزار بشکه در روز به تولید خود خواهد افزود. این کاریست که احتمالاً در اجلاس وزرای نفت و انرژی کشورهای عضو در ۱۵ تیر (۶ ژوئیه) مانند سه ماه گذشته تصویب خواهد شد. احتمال توافق برای اضافه نمودن تولید بیشتر برای ایران نیز در این جلسه هست. تعامل ایران و ایالات متحده در آینده نزدیک در پرده ای از ابهام است. از یک سو آمریکا در مورد فروش نفت خام ایران به چین علامت مثبت ارسال می کند و از سوی دیگر وزیر انرژی آمریکا از باقی ماندن تحریم های درازمدت این کشور علیه ایران حرف زده و رئیس جمهور آمریکا اظهار نظر می کند که فعلاً پرونده تسهیل در تحریم های همه جانبه ایران را کنار نهاده است. به گفته شبکه خبری کابلی (سی ان ان) دولت ترامپ بحث هایی درباره امکان کمک به ایران برای دسترسی به ۳۰ میلیارد دلار جهت توسعه یک برنامه هسته ای غیرنظامی تولید انرژی، کاهش تحریم ها، و آزادسازی میلیاردها دلار از منابع مالی مسدود شده ایران انجام داده است. جزئیات این طرح در جلسه ای چند ساعته میان استیو ویتکاف نماینده ویژه آمریکا، و شرکای این کشور در خلیج فارس در کاخ سفید در روز جمعه یعنی یک روز پیش از حملات هوایی آمریکا به ایران بررسی شده است. یک مقام آمریکایی تأکید کرده این پول مستقیماً از سوی آمریکا پرداخت نمی شود و ترجیح این است که کشورهای عربی منطقه آن را تأمین کنند. سرمایه گذاری در تأسیسات انرژی هسته ای ایران در دوره های پیشین مذاکرات هسته ای نیز مطرح شده بود. جمهوری اسلامی هنوز به این علامت های ضد و نقیض و همچنین تأیید و یا عدم تأیید مذاکرات بین دو طرف در هفته جاری پاسخ نداده است. از سوی دیگر روسیه با توجه به اتمام تعمیرات خطوط لوله در صدد افزایش تولید خود است. نگرانی اصلی در بازار نفت خام در امروز عرضه بیش از اندازه توسط روسیه و دیگر اعضای اوپک پلاس است و کمتر از ریسک های سیاسی و ژئوپلیتیکی سخن در میان است.

در حالیکه نفت خام وست تگزاس اینترمدییت به قیمت ۶۵,۵۲ دلار هر بشکه در بازار کاشینگ لوئیزیانا معامله گردید، علائمی دال بر بهتر شدن روابط چین و ایالات متحده بچشم می خورد. وزیر بازرگانی آمریکا از نهایی شدن قرارداد خرید عناصر کمیاب زمین با دولت چین خبر داد. این قرارداد در ماه گذشته مورد

مذاکره قرار گرفته و دیروز در لندن امضا گردید. در مورد تعرفه های اعلامی ترامپ علیه چین به نظر می رسد که هم اکنون آمریکا در حال عقب نشینی از تعرفه های موسوم به "روز آزادی" است. چین و ۹ کشور اصلی طرف تجارت با آمریکا احتمالاً از تعرفه های بزرگ با مذاکرات دامنہ دار حذف شوند.

گاز طبیعی در هنری هاب آمریکای شمالی هر میلیون بی تی یو ۳,۶۱ دلار معامله شد. همان مقدار گاز طبیعی مایع شده در بازار رتردام اروپا ۱۲,۲۶ دلار و در ساحل ژاپن و کره ۱۲,۹۲ دلار خرید و فروش شد.

➤ سقوط قیمت نفت در پی برقراری آتش بس میان ایران و اسرائیل

سوم تیر ۱۴۰۴ (۲۴ ژوئن ۲۰۲۵) بازار جهانی نفت شاهد سقوط چشمگیری بود که عمدتاً در واکنش به تلاش‌های ایالات متحده و قطر برای برقراری آتش بس در بحران میان ایران و اسرائیل رقم خورد. قیمت نفت خام وست تگزاس اینترمدیت طی دو جلسه معاملاتی نزدیک به ۱۵ درصد کاهش یافت و به حدود ۶۴ دلار در هر بشکه رسید. در حالی که نفت برنت نیز تا سطح ۶۷ دلار افت کرد. این کاهش پس از آن رخ داد که ترامپ در پیامی در شبکه‌های اجتماعی اعلام کرد که موفق به برقراری آتش بس شکننده‌ای میان تهران و تل‌آویو شده و هم‌زمان خواستار تداوم جریان صادرات نفت ایران شد. اظهارات ترامپ مبنی بر اینکه چین می‌تواند به واردات نفت از ایران ادامه داده و ابراز امیدواری او نسبت به خرید نفت بیشتر از ایالات متحده، علامتی روشن به بازارها ارسال کرد: برخلاف موضع‌گیری‌های پیشین دولت آمریکا که بر فشار حداکثری علیه صادرات نفت ایران تأکید داشت، این بار واشنگتن تمایل دارد مانع جریان عرضه انرژی از منطقه نشود. همین تغییر رویکرد موجب شد تا بخش عمده‌ای از ریسک ژئوپلیتیکی که در پی تشدید درگیری‌ها ایجاد شده بود، از قیمت‌ها حذف شود. تحلیل‌گران معتقدند بازار نفت اکنون به این درک رسیده که حملات نظامی اخیر، از جمله بمباران سایت‌های هسته‌ای ایران و پاسخ تلافی‌جویانه ایران به پایگاه نظامی آمریکا در قطر، تأثیر پایداری در اختلال در جریان صادرات انرژی از خلیج فارس نداشته‌اند. در نتیجه شوک قیمتی اولیه جای خود را به بازگشت به سطوح قبلی داده است. همچنین عرضه نفت ایران برخلاف انتظارات افزایش یافته و مازاد عرضه جهانی، به‌ویژه از سوی تولیدکنندگان شیل در آمریکا و برخی اعضای اوپک پلاس بر نگرانی‌ها در مورد قیمت نفت خام افزوده است.

با کاهش ریسک‌های سیاسی، ساختار قیمت‌ها در بازارهای آتی نیز تغییر کرده است. فاصله بین قراردادهای نزدیک و دور در بازار برنت کاهش یافته و از ۱.۷۷ دلار به کمتر از ۱ دلار رسیده است. به گفته تحلیل‌گرانی چون «تاماش وارگا» از شرکت پی وی ام پرمیوم ریسک ناشی از درگیری‌های اخیر تقریباً به‌طور کامل از بین رفته و سرمایه‌گذاران دوباره تمرکز خود را بر سیاست‌های اقتصادی و بنیادهای عرضه و تقاضا گذاشته‌اند. در نهایت هرچند کاهش قیمت نفت ممکن است به کاهش فشار تورمی و تحقق اهداف اقتصادی دولت آمریکا کمک کند، اما در عین حال برای کشورهای صادرکننده نفت به‌ویژه در خاورمیانه نشانگر چالشی بزرگ است. با افت قیمت‌ها فشار بر بودجه‌های ملی افزایش می‌یابد و بار دیگر بحث‌هایی پیرامون لزوم کاهش تولید در چارچوب اوپک پلاس مطرح

خواهد شد. به نظر می‌رسد بازار نفت در نیمه دوم سال بیش از آنکه تحت تأثیر تنش‌های ژئوپلیتیکی باشد، با مزاد عرضه و نگرانی از رشد تقاضای محدود درگیر خواهد بود.

➤ تحولات ژئوپلیتیکی و بازنگری چین در پروژه خط لوله گاز روسیه

در پی تشدید درگیری‌های نظامی میان ایران و اسرائیل، چین به‌طور جدی در حال بازنگری در راهبردهای بلندمدت خود برای تأمین انرژی است. گمانه زنی در مورد بستن تنگه هرمز که از حیاتی‌ترین گذرگاه‌های دریایی برای صادرات انرژی است، زنگ خطر را برای بزرگ‌ترین واردکننده انرژی جهان به صدا درآورد. این وضعیت موجب شد که پروژه قدیمی و به‌تعویق‌افتاده خط لوله گاز روسیه موسوم به «قدرت سیبری ۲» مجدداً در اولویت راهبردی پکن قرار گیرد. چین در حال حاضر بخش عمده‌ای از واردات گاز طبیعی خود را به‌صورت ال ان جی از کشورهای چون قطر و امارات دریافت می‌کند که مسیر عبور آن‌ها از تنگه هرمز و تنگه مالاکا می‌گذرد. بنا بر گزارش‌ها بیش از ۳۰ درصد گاز وارداتی چین از این مسیر تأمین می‌شود. از این رو هرگونه اختلال در این گذرگاه می‌تواند پیامدهای جدی برای امنیت انرژی چین داشته باشد. پروژه قدرت سیبری ۲ که از روسیه آغاز و از طریق مغولستان به شمال چین متصل می‌شود، ظرفیت انتقال سالانه ۵۰ میلیارد متر مکعب گاز را دارد. این خط لوله از سال‌ها پیش در مرحله مذاکره بوده اما به‌دلیل اختلافات قیمتی، مسائل مالکیتی، و تمایل چین به تنوع‌بخشی در منابع تأمین روند پیشرفت آن متوقف شده بود. اکنون در سایه تحولات اخیر خاورمیانه مقامات چینی به‌دنبال تسریع نهایی‌سازی توافق با روسیه هستند و انتظار می‌رود که پروژه تا پایان سال ۲۰۲۵ وارد فاز اجرایی شود. با وجود این پیشرفت کارشناسان هشدار می‌دهند که اجرای کامل این پروژه دست‌کم پنج سال زمان خواهد برد و به سرمایه‌گذاری عظیمی نیاز دارد. با این حال از منظر ژئوپلیتیک این خط لوله نقش مهمی در کاهش وابستگی چین به مسیرهای دریایی ناامن ایفا خواهد کرد. از سوی دیگر تمایل فزاینده چین به همکاری انرژی با روسیه در شرایطی که روابط هر دو کشور با غرب تیره شده، پیام روشنی به بازیگران جهانی می‌فرستد: چین مصمم است امنیت انرژی خود را از مسیرهای زمینی و با شرکای استراتژیک تضمین کند.

➤ آدورا، سرمایه‌گذاری راهبردی شل و اکوئینور برای تقویت تولید انرژی در دریای شمال

در ۵ تیرماه (۲۶ ژوئن ۲۰۲۵) دو شرکت بزرگ انرژی، شل و اکوئینور از آغاز به‌کار رسمی شرکت سرمایه‌گذاری مشترک خود در بریتانیا تحت عنوان آدورا^۱ خبر دادند. اقدامی که گامی مهم در جهت تقویت ظرفیت تولید انرژی در شمال دریای شمال به شمار می‌رود. این پروژه با هدف بهره‌برداری بهینه از منابع هیدروکربنی موجود در منطقه طراحی شده و قرار است تولید ترکیبی آن در سال جاری حدود ۱۴۰ هزار بشکه معادل نفت در روز باشد. به گفته منابع رسمی چشم‌انداز پنج‌ساله شرکت آدورا افزایش ظرفیت تولید به بیش از ۲۰۰ هزار بشکه در روز است که

^۱ Adura

این جهش با استفاده از فناوری‌های نوین استخراج و افزایش بهره‌وری از میادین مشترک بین دو شرکت محقق خواهد شد. این همکاری در شرایطی صورت می‌گیرد که بازار انرژی اروپا پس از بحران اوکراین و کاهش واردات از روسیه، به دنبال منابع پایدارتر و داخلی‌تر برای تأمین امنیت انرژی خود است. پروژه آدورا همچنین بر توسعه میادین گازی در کنار ذخایر نفتی تمرکز دارد و بخشی از استراتژی کلان دو شرکت برای کاهش ردپای کربنی و حرکت به سوی انرژی‌های انتقالی است. انتظار می‌رود بخشی از تولید این پروژه صرف صادرات به اروپا شود، در حالی که باقیمانده برای تأمین نیاز داخلی بریتانیا اختصاص یابد. تحلیل‌گران این اقدام را نشانه‌ای از تمایل فزاینده شرکت‌های بزرگ نفت و گاز برای تمرکز بر پروژه‌های با بازده بلندمدت و کم‌ریسک در مناطق باثبات تلقی می‌کنند، به‌ویژه در دورانی که تنش‌های ژئوپلیتیکی در خاورمیانه و شرق اروپا بر عرضه جهانی انرژی سایه افکنده‌اند. افزون بر این راه‌اندازی آدورا می‌تواند نقش کلیدی در ایجاد فرصت‌های شغلی و تقویت اقتصاد محلی اسکاتلند شمالی ایفا کند. در مجموع پروژه آدورا نمادی از رویکرد ترکیبی در صنعت انرژی امروز است، رویکردی که هم بهره‌برداری از منابع سنتی را دنبال می‌کند و هم به دنبال سازگاری با مسیر انتقال انرژی و پایداری محیط‌زیستی است.

➤ بودجه نظامی کشورهای ناتو

رهبران سازمان پیمان اطلس شمالی (ناتو) در اجلاس خود در لاهه به این نتیجه رسیدند که همه کشورهای عضو مکلفند که بودجه دفاعی خود را تا سطح ۵ درصد تولید ناخالص داخلی هر کشور همه ساله تا ۲۰۳۵ افزایش دهند. آنان معتقدند که عدم قطعیت های محیط ژئوپلیتیکی در سالهای اخیر افزایش یافته است. توجه آنان بیشتر به جنگ روسیه و اوکراین معطوف است. جدول (۱) از موسسه صلح استکهلم (سیپری) وضعیت بودجه دفاعی و تعهدات کشورهای ناتو را نشان می دهد.

Figure 1. The scale of the new NATO spending commitment

For the best viewing experience open this table on a computer
Click below on 'Show more' to see data of all NATO members or search for a specific country

	Military spending (2024, \$b.)	Military spending as share of GDP (2024)	3.5% of GDP in 2035 (projected; \$b)	5% of GDP in 2035 (projected; \$b)
Belgium	8.6	1.3%	31.9	45.6
Bulgaria	2.3	2.1%	6.5	9.3
Croatia	1.6	1.8%	5.4	7.8
Czechia	6.5	1.9%	18.8	26.8
Denmark	10.0	2.4%	21.2	30.3
Estonia	1.4	3.4%	2.4	3.5
Finland	7.0	2.3%	16.0	22.8
France	64.7	2.1%	154.8	221.1
Germany	88.5	1.9%	230.4	329.1
Greece	8.0	3.1%	12.9	18.5
Hungary	4.7	2.2%	14.7	20.9
Italy	38.0	1.6%	110.6	158.0
Latvia	1.4	3.3%	2.8	3.9
Lithuania	2.6	3.1%	4.9	7.0
Luxembourg	0.9	1.0%	5.2	7.4
Netherlands	23.2	1.9%	62.9	89.8
Poland	38.0	4.2%	61.1	87.3
Portugal	4.6	1.5%	16.3	23.3
Romania	8.7	2.3%	24.8	35.5
Slovakia	2.8	2.0%	8.4	12.0
Slovenia	1.0	1.3%	4.2	6.0
Spain	24.6	1.4%	94.2	134.6
Sweden	12.0	2.0%	33.7	48.1
Subtotal EU NATO	361.2	2.2%	944.0	1348.6
Albania	0.5	2.0%	1.8	2.6
Iceland*	-		-	-
North Macedonia	0.4	2.1%	1.1	1.5
Norway	10.4	2.1%	21.8	31.1
Montenegro	0.2	1.8%	0.5	0.7
United Kingdom	81.8	2.3%	182.6	260.9
Subtotal European NATO	454.4	2.2%	207.8	298.2
Canada	29.3	1.3%	119.0	170.3
Türkiye	25.0	1.9%	99.0	140.7
United States	997.3	3.4%	1568.9	2241.0
Total NATO	1506.1	2.2%	2938.5	4199.1

EU = European Union
GDP = gross domestic product
NATO = North Atlantic Treaty Organization

*Iceland has no military expenditure.

Note: Military spending figures in 2024 are in US dollars, at current prices and exchange rates. Figures may not add up to the given totals or subtotals because of the conventions of rounding. The NATO members committed in June 2025 to invest 5% of GDP annually on core defence requirements as well as defence- and security-related spending by 2035—which potentially includes spending not covered by SIPRI's definition of military expenditure. SIPRI's methodology for calculating military expenditure and military burden is based on open sources and differs from that used by NATO for its annual data. As a result, SIPRI's data may not exactly match the data published by NATO. Further details on the definitions, sources and methods used are available here.

Source: SIPRI Military Expenditure Database, Apr. 2025; International Monetary Fund, World Economic Outlook Database, Apr. 2024; and author's own estimates for 2031–35 based on average annual growth rates.

➤ کاهش قابل توجه ذخایر نفت آمریکا و بازگشت توجه بازار به عوامل بنیادی

گزارش هفتگی اداره اطلاعات انرژی آمریکا در ۴ تیر ۱۴۰۴ (۲۵ ژوئن ۲۰۲۵) حاکی از کاهش چشمگیر ذخایر نفت خام تجاری این کشور است. بر اساس این گزارش ذخایر نفت خام بدون احتساب ذخایر استراتژیک طی هفته منتهی به ۲۰ ژوئن، با افتی معادل ۵.۸ میلیون بشکه به ۴۱۵.۱ میلیون بشکه رسید. این در حالی است که تحلیل‌گران پیش‌بینی کرده بودند کاهش ذخایر تنها حدود ۸۰۰ هزار بشکه باشد. همچنین موجودی انبار نفت کاشینگ نیز ۴۶۴ هزار بشکه کاهش یافت. همزمان ذخایر فرآورده‌های نفتی نیز افت قابل توجهی را تجربه کردند. ذخایر بنزین با کاهش ۲.۱ میلیون بشکه‌ای مواجه شد و ذخایر دیزل نیز به میزان ۴.۱ میلیون بشکه افت کرد. این کاهش همزمان با افزایش تقاضای بنزین به ۹.۷ میلیون بشکه در روز صورت گرفت؛ رقمی که بالاترین سطح مصرف سوخت در آمریکا از دسامبر ۲۰۲۱ محسوب می‌شود. یکی از دلایل اصلی این افزایش مصرف، آغاز فصل تابستان و اوج‌گیری سفرهای جاده‌ای در آمریکا عنوان شده است. در بخش عرضه نیز پالایشگاه‌های آمریکا با ظرفیت عملیاتی ۹۴.۷ درصدی فعال بودند که بالاترین نرخ بهره‌برداری از ژوئیه ۲۰۲۴ به شمار می‌رود. این سطح از فعالیت پالایشگاه‌ها نشان‌دهنده رشد قابل توجه تقاضای داخلی و تلاش برای پاسخ‌گویی به بازار مصرف است. بازار نفت نیز به این داده‌های بنیادی واکنش مثبتی نشان داد. قیمت نفت برنت به حدود ۶۷.۹۷ دلار و نفت خام وست تگزاس اینترمدیت به ۶۵.۲۷ دلار در هر بشکه رسید. به گفته تحلیل‌گران کاهش ذخایر نفت خام و رشد مصرف سوخت همراه با عقب‌نشینی تنش‌های ژئوپلیتیکی، بازار را دوباره به سمت عوامل واقعی عرضه و تقاضا سوق داده است. به‌ویژه آن‌که پیش‌تر تحولات سیاسی مانند منازعات ایران و اسرائیل نقش پررنگی در نوسانات قیمت‌ها ایفا کرده بودند. در مجموع این گزارش نقطه عطفی در بازگشت بازار به تعادل و کاهش پریمیوم ریسک سیاسی به شمار می‌آید. تحلیل‌گران اکنون انتظار دارند که در صورت تثبیت این روند، بازار نفت در بازه قیمتی ۶۵ تا ۷۰ دلار باقی بماند، مگر آنکه رویدادی تازه در عرضه یا سیاست‌های پولی، موازنه فعلی را بر هم بزند.

جنگ اسرائیل علیه ایران و اثرات آن بر بازار انرژی

جنگ میان ایران و اسرائیل، فراتر از یک تنش منطقه‌ای صرف، به یک نقطه بحرانی ژئوپولیتیکی با پیامدهای گسترده برای بازار جهانی انرژی تبدیل شد. این درگیری نه تنها به دلیل ماهیت نظامی و سیاسی آن، بلکه به خاطر نقش راهبردی ایران در زیرساخت‌های حیاتی انرژی، توجه تحلیل‌گران و سرمایه‌گذاران بین‌المللی را جلب کرده است. یکی از محورهای اصلی نگرانی، تنگه هرمز است؛ گذرگاهی استراتژیک که روزانه حدود یک پنجم از نفت جهان از آن عبور می‌کند. ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش در مجاورت مستقیم این تنگه، اهرم فشار بزرگی بر بازار انرژی جهانی دارد. در دوره‌های تنش، بازارهای نفت با در نظر گرفتن ریسک احتمالی بسته شدن یا اختلال در عبور نفت از این مسیر، واکنش نشان می‌دهند و قیمت‌ها را با چیزی موسوم به «حق بیمه ژئوپولیتیکی» افزایش می‌دهند.

در کنار اهمیت جغرافیایی، نقش ایران در عرضه واقعی نفت نیز پررنگ‌تر از همیشه شده است. طبق داده‌های اخیر، ایران اکنون حدود ۱۵.۵ درصد از کل تولید اوپک را به خود اختصاص داده، که بالاترین سهم ثبت‌شده در تاریخ این سازمان است. این افزایش در سهم ایران در حالی اتفاق افتاده که تولید کلی اوپک طی چند دهه تقریباً ثابت مانده و جهان با رشد تقاضا، کاهش ظرفیت مازاد، و تحول در الگوهای مصرف، خصوصاً در آسیا مواجه شده است. بنابراین هرگونه اختلال در تولید یا صادرات نفت ایران می‌تواند بازار را به سرعت وارد بحران کند. به‌ویژه آنکه زیرساخت‌های انرژی جهانی به دلایل مختلفی از جمله کاهش ذخایر استراتژیک، لجستیک «تولید به موقع»، و فرسودگی زیرساخت‌ها نسبت به گذشته آسیب‌پذیرتر شده‌اند.

با وجود این تهدیدات، بازار انرژی جهانی به نظر می‌رسد که همچنان ریسک‌های ناشی از این درگیری را کمتر از واقعیت در قیمت‌ها لحاظ کرده است. در حالی که سابقه تاریخی نشان می‌دهد تنش‌های خاورمیانه می‌توانند منجر به جهش‌های شدید قیمتی شوند، مانند دو برابر شدن قیمت نفت در جنگ خلیج فارس یا جهش ۲۰ درصدی قیمت برنت در حمله به تاسیسات آرامکو در ۲۰۱۹، تحلیل‌ها نشان می‌دهند که بازار امروز حق بیمه ژئوپولیتیکی کمتری نسبت به شدت بحران در خود جای داده است. این موضوع هم فرصت و هم تهدید است: فرصت برای سرمایه‌گذارانی که زودتر به بازار وارد شوند، و تهدید برای سرمایه‌گذارانی که نسبت به این شوک‌ها بیمه نشده‌اند.

یکی دیگر از ویژگی‌های قابل توجه در وضعیت کنونی، کم‌وزنی بخش انرژی در سبدهای سرمایه‌گذاری جهانی است. با اینکه انرژی پایه و اساس فعالیت اقتصادی را شکل می‌دهد، سهم آن در شاخص‌هایی مانند S&P 500 از حدود ۳۰٪ در دهه ۱۹۷۰ به تنها ۳٪ رسیده است. این کاهش شدید باعث شده که سرمایه‌گذاری اساسی نسبت به تحولات بخش انرژی بسیار آسیب‌پذیر شود. به علاوه شرکت‌های انرژی از منظر سودآوری (نسبت

¹ Standard and Poor's Index

سود به قیمت)، بازده نقدی، و ثبات مالی شرایط مطلوبی دارند و همچنان در حال رشد هستند، ولی قیمت سهام آنها واکنشی ضعیف داشته است. این واگرایی بین ارزش بنیادی و قیمت بازار می‌تواند زمینه‌ساز یک موج صعودی قدرتمند باشد، به‌ویژه اگر فشار ژئوپولیتیکی باعث بازنگری نهادهای مالی در تخصیص منابع شود.

در کنار انرژی، فلزات گران‌بهای مانند طلا و نقره نیز نقش مهمی در شرایط بحرانی ایفا می‌کنند. طلا به‌عنوان دارایی امن در دوران نااطمینانی ژئوپولیتیکی و تورمی، تقاضای بالایی پیدا می‌کند. قیمت‌های رکوردی اخیر نیز مؤید همین روند است. نقره نیز، به‌ویژه با توجه به الگوهای تکنیکال صعودی می‌تواند شاهد رشد شدیدی باشد. تحلیل‌گران نقره را «ارزان‌ترین فلز زمین» توصیف کرده‌اند که آماده جهش قیمتی است. سیاست‌های پولی انبساطی، کاهش نرخ بهره، و تمایل بانک‌های مرکزی به حمایت از رشد اقتصادی نیز فشار بیشتری به سمت دارایی‌های فیزیکی وارد کرده و بر جذابیت فلزات گران‌بها افزوده است.

در مجموع، درگیری ایران و اسرائیل نه‌تنها یک بحران ژئوپولیتیکی جدی، بلکه یک عامل تعیین‌کننده برای بازتوازن بازار انرژی و تخصیص سرمایه جهانی است. عدم تطابق بین واقعیت‌های بنیادی بازار انرژی و شیوه فعلی قیمت‌گذاری و سرمایه‌گذاری، هم تهدیدی بزرگ برای سبدهای محافظه‌کار است و هم فرصتی ارزشمند برای سرمایه‌گذارانی که زودتر وارد بازار شوند. در این میان، ترکیب سرمایه‌گذاری در سهام انرژی و فلزات گران‌بها می‌تواند بهترین راهبرد پوششی در برابر ریسک‌های فزاینده ژئوپولیتیکی باشد^۱.

^۱ این متن خلاصه ایست از گزارش زیر:

<https://discoveryalert.com.au/news/geopolitical-tensions-energy-market-implications-2025/>